

The Role of Personality Traits in Coping Strategies Used By Mothers of Children with Autism

Tahereh Elahi, Ph.D.¹, Sakineh Agayari, M.A.²,
Faezeh Arbabian, M.A.³

Received: 2016.09.27

Revised: 2016.10.02

Accepted: 2017.02.04

Abstract

Objective: The type of coping strategies has an important influence on how to cope with stress. Various factors contribute to the choice of coping strategies, such as personality traits. The aim of this study was to investigate the role of personality traits in coping strategies used by mothers of children with autism. **Method:** For this purpose, a correlation design was used, in which 56 mothers of children with autism were recruited based on a convenience sampling approach from teaching-supporting institutions in Isfahan. The sample members completed NEO personality traits and coping strategies questionnaires. Data analyzed using Pearson correlation coefficient test, and also step by step regression analysis was used. **Results:** The personality traits of neuroticism had a statistically significant positive correlation with escape-avoidance, distancing coping strategies and on the other hand, it had negative significant correlation with positive reappraisal. Extraversion and conscientiousness had significant negative relationship with escape-avoidance coping style. The relationship of extraversion and agreeableness with seeking social support and positive reappraisal was positive and significant. Relationship of conscientiousness with planned problem solving and positive reappraisal were significant too. Regression analysis indicated that neuroticism was a significant predictor of coping strategies of distancing and escape-avoidance. Coping strategy of seeking social support was predicted by agreeableness and positive reappraisal was predicted by conscientiousness and neuroticism. **Conclusion:** Adoption of coping strategies and personality traits are correlated and individuals at risk of high sources of stress such as mothers of children with autism should be trained to adopt efficacious coping strategies in accordance with their personality traits.

Keywords: Coping strategies, Mothers of children with autism, Personality traits

نقش ویژگی‌های شخصیتی در راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده مادران کودکان دارای اتیسم

دکتر طاهره الهی^۱، سکینه آقایی^۲، فائزه اربابیان^۳

تجدید نظر: ۱۳۹۵/۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۶

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۶

چکیده

هدف: انتخاب نوع راهبرد مقابله‌ای تأثیر بسیار مهمی بر چگونگی کنار آمدن با استرس دارد و در این انتخاب، عوامل زیادی از جمله ویژگی‌های شخصیتی دخیل است. هدف این تحقیق بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده مادران کودکان دارای اتیسم بود. **روش:** در این پژوهش که از نوع همبستگی بود، ۵۶ مادر که کودک دارای اتیسم داشتند از بین مراجعه‌کنندگان به مؤسسه‌های حمایتی-آموزشی کودکان اتیسم در شهر اصفهان به صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های ویژگی‌های شخصیتی نئو و راهبردهای مقابله‌ای پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی با راهبرد مقابله‌ای فاصله گرفتن و گریز-اجتناب رابطه‌ای مثبت و معنادار و با ارزیابی مجدد مثبت رابطه‌ای منفی و معنادار داشت. برونگرایی و با وجدان بودن، با گریز-اجتناب رابطه‌ای منفی و معنادار داشتند. برونگرایی و دلپذیر بودن رابطه مثبت و معناداری با طلب حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت داشتند. با وجدان بودن نیز رابطه مثبت و معناداری با حل مسائل برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت داشت. در تحلیل رگرسیون انجام شده روان‌رنجورخویی پیش‌بین معنادار راهبردهای مقابله‌ای فاصله گرفتن و گریز-اجتناب بود. راهبرد طلب حمایت اجتماعی از طریق دلپذیر بودن و راهبرد ارزیابی مجدد مثبت نیز توسط با وجدان بودن و روان‌رنجورخویی تبیین شدند. **نتیجه‌گیری:** انتخاب نوع راهبرد مقابله‌ای با ویژگی‌های شخصیتی رابطه دارد و افراد در معرض استرس بالا مانند والدین کودکان دارای اتیسم باید برای اتخاذ کارآمدترین راهبرد مقابله‌ای متناسب با ویژگی‌های شخصیتی خود آموزش‌های لازم را دریافت نمایند.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای مقابله‌ای، مادران کودکان اتیسم، ویژگی‌های شخصیتی

1. **Corresponding Author:** Associate Professor, Department of Psychology, University of Zanjan, Email: telahi@znu.ac.ir
2. M.A. in Psychology, University of Zanjan
3. M.A., in psychology, University of Zanjan

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه زنجان
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه زنجان
۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه زنجان

مقدمه

یکی از اختلالات رشد، اختلالات طیف اتیسم است که بر اساس ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، مشخصات آن شامل تخریب کیفیت تعامل اجتماعی، تخریب ارتباط و انجام رفتارهای تکراری و قالبی است. میزان شیوع این اختلال در آمریکا و سایر کشورها تقریباً ۱٪ تخمین زده شده است و میزان ابتلا به آن در پسران چهار تا پنج برابر بیشتر از دختران است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴)، اما شدت آن در بین دختران بالاتر است (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰). به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سلول‌های بنیادی ایران (بنیان) شیوع این اختلال در ایران حدود ۰/۸۶ درصد یعنی نزدیک به نرخ شیوع جهانی است. استان‌های حاشیه‌ای و کمتر برخوردار مبتلایان کمتری نسبت به استان‌های توسعه‌یافته و مرکزی دارند. میزان این اختلال در تهران و شهرهای پرجمعیت و صنعتی از همه نقاط کشور بیشتر است. طبق دیدگاه برونفن برنر (۱۹۹۵)، ۱۹۹۷ به نقل از لورابک، (۱۳۸۶) محیط زندگی انسان‌ها مشتمل بر افراد، رویدادها و ارتباطات، همواره در حال تغییر است. هر کدام از این تغییرات به‌عنوان نقطه عطفی، زندگی افراد را و به‌دنبال آن، رفتار افراد محیط را در جهت این تغییر تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر برونفن برنر (۱۹۹۵) بین محیط و افراد یک ارتباط کاملاً دوسویه وجود دارد که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. تغییرات ممکن است در سطح درون خانواده یا در سطح بین‌خانواده و یا در سطح اجتماع اتفاق بیفتد. با توجه به اینکه این تغییرات در چه سطحی اتفاق می‌افتد، تأثیراتی در کیفیت زندگی افراد دارد. تولد فرزند یکی از تغییرات اساسی در محیط درون خانواده به‌شمار می‌رود که می‌تواند رفتار و محیط زندگی افراد را تحت‌الشعاع قرار دهد. به دلیل تغییر در ساختار خانواده و اضافه شدن عضو جدید با نیازها و خواسته‌های جدید، معمولاً تولد کودک برای

والدین استرس‌زاست. اگر والدین متوجه شوند که کودکشان دچار مشکلات و یا اختلالات پایداری است که تمام عمر دامنگیر او خواهد بود، استرس بیشتری را تجربه خواهند کرد. در ابتدا والدین کودکان مشکل‌دار مانند کودکان دارای اتیسم با انکار، خشم، ترس و افسردگی واکنش نشان می‌دهند که این حالت‌ها در طول زمان به استرس مزمن تبدیل می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند والدین کودکان دارای اتیسم، استرس، اضطراب و تنش زیادی را در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های اجتماعی، رفتاری و شناختی تجربه می‌کنند (سیمور، وود، گیالو و جیلت، ۲۰۱۳؛ مانسیل و باید، ۲۰۰۹؛ مواد، ۲۰۱۲؛ کاسکان، پینر و دیویس، ۲۰۰۹؛ نف و فاسو، ۲۰۱۴). بر اساس تحقیقات دبرا، رزندس و اسکارپا (۲۰۱۱) چندین عامل در تجربه استرس زیاد دخیل است: عدم شناخت، آگاهی و درک از کودکان دارای اتیسم، وجود رفتار اجتماعی پرخاشگرانه نسبت به این کودکان و احساس بی‌زاری از آنها به دلیل فقدان درک و فهم. تراپک (۲۰۱۱) طی تحقیقی نشان داد مادران کودکان دارای اتیسم رضایتمندی و سلامت روانی پایینی را نسبت به مادران کودکان سالم و کودکان بیش‌فعال کم‌توجه داشتند، اما در مورد پدران این تفاوت معنادار نبود. این نتیجه در تحقیق گاپتا و سینگال (۲۰۰۵) نیز به‌دست آمده است. براساس پژوهش گاپتا و سینگال (۲۰۰۵) میزان استرس در مادران ۷۰٪ و در پدران ۴۰٪ گزارش شد. با توجه به این یافته‌ها احتمالاً مادران کودکان دارای اتیسم استرس بیشتری نسبت به پدران تجربه می‌کنند. در تبیین استرس بالای مادران می‌توان به مسئولیت و درگیری عاطفی بیشتر مادران نسبت به کودکانشان اشاره داشت. مادران معمولاً ساعات بیشتری را با فرزندان خود می‌گذرانند و دشواری‌هایی که به علت ویژگی‌های خاص این کودکان در رابطه مادر-کودک و در مراقبت و تربیت او به‌وجود می‌آید فشار بسیار بالایی

می‌شود. براساس این یافته خلق منفی والدین کودکان دارای اتیسم، آنان را به استفاده از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار سوق می‌دهد و آنان بیشتر از این راهبرد استفاده می‌کنند.

علاوه بر تأثیر احتمالی خلق، عامل بسیار مهم دیگری که در انتخاب نوع راهبرد مقابله‌ای تأثیر مهمی دارد، ویژگی‌های شخصیتی افراد است. شخصیت از ترکیب خصوصیات و صفات متمایز تشکیل شده است که به مجموعه مشخصی از ویژگی‌ها مانند افکار، احساس، نگرش و رفتار اشاره دارد (مس، مورثی، بارثاسارائی، ناوین کومار و مدهاسودهان، ۲۰۱۱). کاستا و مک‌کری (۲۰۰۸) شخصیت را در قالب پنج ویژگی شخصیتی اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن توصیف کرده‌اند. افراد روان‌رنجورخو معمولاً خلق منفی داشته و گرایش بیشتری به تجربه هیجانات منفی دارند. افراد برون‌نگرا افرادی گرم، فعال و معاشرتی هستند. افراد انعطاف‌پذیر افرادی تجربه‌پذیر، کنجکاو و منعطف هستند. افرادی که ویژگی شخصیتی دلپذیر بودن را دارند، افرادی خوش‌بین، نوع‌دوست و بی‌ریا هستند و معمولاً قدرت پرخاشگری خود را به‌خوبی کنترل می‌کنند. افرادی که ویژگی شخصیتی باوجدان بودن در آنان برجسته است افرادی مسئولیت‌پذیر، وظیفه‌شناس و منظم هستند (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۸). بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که بین ویژگی‌های شخصیت و نوع راهبردهای مقابله‌ای رابطه محکمی وجود دارد (چای و لو، ۲۰۱۵؛ جانکسکا، تودارژیک، کمپیل و شاو، ۲۰۱۵؛ رستمی، احدی و چراغعلی گل، ۱۳۹۲؛ جعفری، امیری مجد و اسفندیاری، ۱۳۹۱؛ صیدی، غفوری و جلالی، ۱۳۹۳؛ بساک‌نژاد و بوستانی، ۱۳۹۱). چای و لو (۲۰۱۵) نشان دادند که افرادی با ویژگی‌های شخصیتی گشودگی، تحلیلی، برون‌گرایی و قاطع بودن بیشتر از

بر آنها وارد می‌کند. از سوی دیگر مادران بعضاً به دلیل ناآگاهی یا عدم دریافت آموزش‌های لازم در خصوص شیوه‌های مناسب برخورد با این کودکان با رفتارهای نادرست خود، فرزندانشان را در شرایط استرس‌زایی قرار می‌دهند که منجر به واکنش متقابل از جانب کودک می‌شود و در نتیجه چرخه‌ای از تعاملات تنش‌زا ایجاد می‌شود که هر دو نفر در آن گیر می‌افتند و استرس‌های مزمن و شدیدی را تجربه خواهند کرد.

همه انسان‌ها در شرایط استرس‌زا سعی در انجام فعالیت‌هایی دارند که باعث کاهش استرس و افزایش مهارت‌های دفاعی‌شان شود. به مجموعه این روش‌ها و تلاش‌ها، راهبردهای مقابله‌ای گفته می‌شود (سارافینو، ۱۹۹۸). به عبارتی، راهبردهای مقابله‌ای به تلاش‌ها و کوشش‌های شناختی و رفتاری گفته می‌شود که برای مدیریت شرایط بیرونی و درونی استرس‌زا صورت می‌گیرد و هدف آن از بین بردن و یا به حداقل رساندن میزان استرس است (اکبری‌شایه، وطن‌خواه، زرگر، تیموری باخرزی و احمدیان، ۱۳۹۲). این روش‌ها و راهبردها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار با چهار زیرمقیاس طلب حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، ارزیابی مجدد مثبت و حل مسائل برنامه‌ریزی‌شده و راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار با چهار زیرمقیاس مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی و گریز-اجتناب. مبنا و اساس مقابله مسئله‌مدار، منطق، کنترل و مدیریت افکار، هیجان‌ها و عملکرد است در حالی که در مقابله هیجان‌مدار مبنا و اساس مقابله، هیجانات است. پاتی و اینگرام (۲۰۰۸) در یک تحقیق سه‌ماهه که روی ۹۳ گروه از والدین انجام شد، نتیجه گرفتند که استرس بالا موجب خلق منفی و خلق منفی موجب استفاده از راهبردهای هیجان‌مدار می‌شود؛ همچنین استرس پایین موجب خلق مثبت و خلق مثبت موجب استفاده از راهبردهای مسئله‌مدار

دارند و ناگزیر برای مقابله با آن باید به راهبردهای مقابله‌ای متوسل شوند. از سوی دیگر نتایج پژوهش‌ها روی دیگر نمونه‌های پژوهشی نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی یکی از عوامل مهم در انتخاب راهبردهای مقابله‌ای است. از این رو پژوهش حاضر درصد برآمد نقش ویژگی‌های شخصیتی مادران کودکان دارای اتیسم را در انتخاب و به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای آنها بررسی نماید.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی مادران کودکان دارای اتیسم تحت پوشش مراکز آموزشی-توانبخشی کودکان اتیسم، استثنایی دریا و انجمن حمایت از کودکان اتیسم استان اصفهان در سال ۱۳۹۳ بودند. فراخوانی برای شرکت در پژوهش به خانواده‌های تحت پوشش این مراکز فرستاده شد و از آنها خواسته شد در جلسه هماهنگی که در هر کدام از مراکز برگزار می‌شد شرکت نمایند. ۶۴ نفر از مادران و ۳ نفر از پدران در جلسه حاضر شدند و قبول کردند که در پژوهش همکاری کنند. به علت کم بودن تعداد پدران، تصمیم گرفته شد نمونه پژوهش فقط مادران باشند. در ادامه پرسش‌نامه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و چگونگی پاسخگویی به سؤالات نیز به آنها توضیح داده شد. از میان پرسش‌نامه‌های تکمیل شده نیز ۸ مورد اطلاعات ناقصی ارائه کرده بودند که از تحلیل کنار گذاشته شدند و در نهایت اطلاعات ۵۶ نفر از مادران ۲۸٪، دارای فرزند دختر و ۷۲٪ دارای فرزند پسر، ۱۴/۳ درصد با تحصیلات زیر دیپلم، ۴۸/۲ درصد دیپلم و ۳۷/۵ درصد با تحصیلات دانشگاهی) مورد بررسی نهایی قرار گرفت. از این تعداد ۸۲/۱ درصد از مادران خانه‌دار و ۱۷/۹ درصد شاغل بودند. ۵۸/۹ درصد از افراد نمونه زیر ۳۵ سال و ۴۱/۱ درصد بالای ۳۵ سال

راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده می‌کنند. همچنین آنها نشان دادند که افرادی که برونگرایی بالا و گشودگی پایینی داشتند بیشتر از راهبرد مقابله‌ای حمایت اجتماعی و افرادی که شخصیت خنثی داشتند بیشتر از راهبرد هیجان‌مدار استفاده می‌کردند و افرادی که گشودگی و برونگرایی بالایی داشتند سطوح کمتری از استرس را تجربه می‌کردند. جانکسکا و همکاران (۲۰۱۵) نیز به این نتیجه رسیدند که مادران کودکان مبتلا به فلج مغزی سطوح بالایی از استرس را تجربه می‌کنند و سطوح بالایی از ابعاد روان‌رنجورخویی را نشان می‌دهند. بساک‌نژاد و بوستانی (۱۳۹۱) در تحقیق خود رابطه محکمی بین ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای به‌دست آوردند. ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی، توافق‌پذیری و گشودگی به تجربه با راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار و منطقی رابطه مستقیمی داشتند در حالی که رابطه ویژگی روان‌رنجورخویی با این راهبردها منفی بود، اما رابطه روان‌رنجورخویی با راهبردهای هیجان‌مدار و اجتنابی مستقیم بود. همین نتیجه در تحقیق جعفری و همکاران (۱۳۹۱) نیز به‌دست آمد. این تحقیقات و بسیاری از تحقیقات دیگر نشان داده‌اند افرادی که ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند روان‌رنجورخویی دارند معمولاً از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار مانند اجتناب کردن استفاده می‌کنند و افرادی که ویژگی‌های شخصیتی مثبت مانند گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و باوجدان بودن را دارند معمولاً از راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار مانند ارزیابی مجدد، حل مسئله، پذیرش مسئولیت و طلب حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند.

با توجه به آنچه گفته شد و نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص بالاتر بودن میزان استرس در مادران کودکان دارای اتیسم در مقایسه با پدران، مشخص است که آنها تأثیرپذیری بالایی از استرس

دو فرم گزارش شخصی (اس) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (آر) استفاده شد که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل انعطاف‌پذیری به‌دست آمد. (گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۰).

پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای: این پرسش‌نامه را لازاروس و فولکمن (۱۹۸۸) تهیه کرده‌اند و دامنه وسیعی از افکار و اعمالی که فرد هنگام مواجهه با شرایط استرس‌زای بیرونی و درونی به‌کار می‌برد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پرسش‌نامه مذکور ۶۶ ماده دارد و ۸ روش مقابله‌ای را اندازه‌گیری می‌کند. تحلیل عاملی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که همه مقیاس‌های این آزمون در دو خوشه اصلی راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار (مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی، گریز-اجتناب) و مسئله‌مدار (طلب حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حل مسائل برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت) قرار می‌گیرند. این پرسش‌نامه بدون محدودیت زمانی اجرا و از آزمودنی خواسته می‌شود تا ضمن تجسم موقعیت بیان شده در پرسش‌نامه، با توجه به چهار گزینه پیشنهادی (به‌کار نبرده‌ام، بعضی اوقات استفاده کرده‌ام، معمولاً از آن استفاده کرده‌ام، به میزان زیادی از آن استفاده کرده‌ام) به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ دهند. لازاروس ثبات درونی ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ را برای هر یک از روش‌های رویارویی گزارش کرده است. خدادادی (۱۳۸۳)؛ به نقل از رجبی دماوندی، پوشنه و غباری بناب، (۱۳۸۸) در پژوهش خود ضریب اعتبار کل آزمون را ۰/۸۴ به‌دست آورد.

یافته‌ها

نتایج همبستگی ویژگی‌های شخصیتی با راهبردهای مقابله‌ای در جدول ۱ آورده شده است.

سن داشتند. همه فرزندان دارای اتیسم گروه نمونه در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل بودند و تنها حمایت موجود برای خانواده این کودکان، آموزش‌ها و راهنمایی‌هایی بود که از این مراکز دریافت می‌کردند. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار

پرسش‌نامه ویژگی‌های شخصیتی نئو: این پرسش‌نامه را کاستا و مک‌کری در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان پرسش‌نامه شخصیتی نئو معرفی کردند که به منظور اندازه‌گیری پنج عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلیپذیر بودن و باوجدان بودن (مسئولیت‌پذیری) طراحی شده و شامل ۶۰ عبارت است که آزمودنی‌ها پاسخ مورد نظر خود را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) بیان می‌کنند. دامنه نمرات برای هر مقیاس ۰/۴۸- و هر مقیاس شامل ۱۲ سؤال است. روایی محتوایی این ابزار را کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) بررسی نمودند و پایایی آن را در روان‌رنجورخویی ۰/۹۰، برون‌گرایی ۰/۷۸، دلیپذیر بودن ۰/۷۶، انعطاف‌پذیری ۰/۸۶ و باوجدان بودن ۰/۹۰ گزارش کردند. طبق گزارش مک‌کری و کاستا ضریب اعتبار بازآزمایی پرسش‌نامه ۰/۷۵ تا ۰/۸۳ است. این پرسش‌نامه در ایران توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) ترجمه و روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر هنجاریابی شد. ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ به‌دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، دلیپذیر بودن، انعطاف‌پذیری و باوجدان بودن به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به‌دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای

ویژگی‌های شخصیت	مقابله هیجان‌مدار							راهبردهای مقابله
	مقابله مستقیم	فاصله گرفتن	خودکنترلی	گریز-اجتناب	طلب حمایت اجتماعی	پذیرش مسئولیت	حل مسائل برنامه ریزی شده	
روان‌رنجورخویی	۰/۱۱۶	۰/۳۶۰**	۰/۱۶۰	۰/۴۹۷**	۰/۳۱۶	۰/۰۵۳	۰/۲۱۰	۰/۴۷۷**
برونگرایی	۰/۲۳۸	۰/۱۹۵	۰/۰۹۱	۰/۴۲۲**	۰/۲۷۳*	۰/۰۰۴	۰/۱۰۴	۰/۳۰۲*
انعطاف‌پذیری	۰/۰۸۷	۰/۱۷۱	۰/۰۲۲	۰/۰۳۴	۰/۰۷۰	۰/۳۱	۰/۰۸۷	۰/۱۱۰
دلپذیری	۰/۱۲۲	۰/۱۸۱	۰/۱۸۵	۰/۲۳۵	۰/۴۹۴**	۰/۰۹۷	۰/۱۶۶	۰/۳۳۱*
باوجدان بودن	۰/۱۲۷	۰/۱۴۴	۰/۲۰۰	۰/۳۲۲*	۰/۲۸۳	۰/۰۹۵	۰/۳۲۹*	۰/۴۸۵**

**P < 0/01 *P < 0/05

دارای اتیسم از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است. همان‌گونه که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، روان‌رنجورخویی ۱۳٪ از واریانس راهبرد مقابله‌ای فاصله گرفتن و ۲۴٪ از واریانس راهبرد مقابله‌ای گریز-اجتناب را تبیین می‌کند. ویژگی شخصیتی دلپذیر بودن ۲۴٪ از واریانس راهبرد مقابله‌ای طلب حمایت اجتماعی و باوجدان بودن نیز ۱۰٪ از واریانس راهبرد مقابله‌ای حل مسائل برنامه‌ریزی شده را تبیین می‌کند. ویژگی شخصیتی باوجدان بودن و روان‌رنجورخویی هم توانایی پیش‌بینی معنادار راهبرد مقابله‌ای ارزیابی مجدد مثبت را داشتند. در گام نخست باوجدان بودن ۲۳٪ و در گام بعدی با اضافه شدن ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی ۳۴٪ از واریانس ارزیابی مجدد مثبت را تبیین کردند.

بر اساس داده‌های جدول ۱، ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی با راهبرد مقابله‌ای فاصله گرفتن و گریز-اجتناب رابطه مثبت و معنادار و با ارزیابی مجدد مثبت رابطه منفی و معنادار در سطح ۰/۰۱ داشت. برونگرایی با گریز-اجتناب رابطه منفی و معنادار و با طلب حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت رابطه مثبت و معنادار داشت. ویژگی شخصیتی دلپذیر بودن با طلب حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت رابطه مثبت و معناداری داشت. با وجدان بودن نیز رابطه منفی و معناداری با گریز-اجتناب و رابطه مثبت معناداری با حل مسائل برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت داشت.

برای بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده مادران کودکان

جدول ۲. تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام راهبردهای مقابله‌ای با توجه به متغیر ویژگی‌های شخصیتی

متغیر ملاک	گام	متغیر پیش‌بین	R ²	T	P	Beta
فاصله گرفتن	۱	روان‌رنجورخویی	۰/۱۳	۲/۸۳۷	۰/۰۰۶	۰/۳۶
گریز اجتناب	۱	روان‌رنجورخویی	۰/۲۴۷	۱۷/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۴۹۷
طلب حمایت اجتماعی	۱	دلپذیر بودن	۰/۲۴	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۴۹
حل مسائل برنامه ریزی شده	۱	باوجدان بودن	۰/۱۰۸	۲/۵۶۱	۰/۰۱۳	۰/۳۲۹
ارزیابی مجدد مثبت	۱	باوجدان بودن	۰/۲۳۴	۴/۰۵۶	۰/۰۰۰	۰/۳۱۵
	۲	باوجدان بودن	۰/۳۴۳	۳/۰۴۴	۰/۰۰۵	۰/۳۶۱
	۲	روان‌رنجورخویی	۰/۲۹۶	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸

ویژگی شخصیتی دلپذیر بودن بین مادران با تحصیلات زیردیپلم، دیپلم و بالاتر از دیپلم تفاوت معناداری وجود داشت (F=5/92 و P=0/05) و افراد

در ادامه افراد گروه نمونه با توجه به وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و سن در متغیرهای پژوهش مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که در

بودند که به‌خاطر وجود فرزندان دارای اتیسم هر روز استرس زیادی را تحمل می‌کنند. اگر مادری ویژگی روان‌رنجورخوبی بالایی داشته باشد در مواجهه با موقعیت استرس‌زا، احتمال استفاده وی از راهبردهای ناکارآمد و غیرانطباقی بسیار بالا خواهد بود.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که ویژگی شخصیتی برون‌گرایی با راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار مانند ارزیابی مجدد مثبت و طلب حمایت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارد. افراد برون‌گرا افرادی هستند که در جمع بودن و با دیگران بودن را به تنهایی و رفتارهای اجتنابی ترجیح می‌دهند. معمولاً در موقعیت‌های سخت و دشوار طالب حمایت اجتماعی هستند. به‌خاطر برپایی پایین در سطح مغز، این گروه افراد تحریک و هیجان را دوست دارند (آقایاری، الهی، صالحی و بیات، ۱۳۹۴) و معمولاً هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند. وجود این ویژگی‌های شخصیتی باعث شده افرادی که در این ویژگی برجسته هستند در مواقع استرس‌زا بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار مانند ارزیابی مجدد مثبت و طلب حمایت اجتماعی استفاده کنند و برای مقابله با مشکلات، با دیگران بودن و کمک خواستن از آنان را به‌گریز و اجتناب از جمع ترجیح دهند.

در ویژگی شخصیتی دلبخیر بودن نیز همانند برون‌گرایی، فرد اساساً نوع‌دوست است و با دیگران احساس همدردی می‌کند، مشتاق کمک به دیگران بوده و معتقد است آنها نیز همین رابطه را با او دارند (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۸). چنین افرادی به دلیل داشتن روابط اجتماعی بالا از حمایت اجتماعی بیشتری نیز برخوردارند و معمولاً هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند. وجود این هیجانات مثبت و احساس امنیت حاصل از حمایت اجتماعی بالا باعث می‌شود این گروه از افراد نیز مانند برون‌گرایان در موقعیت‌های استرس‌زا از راهبردهای مسئله‌مدار مثل ارزیابی مجدد مثبت و طلب حمایت اجتماعی استفاده کنند.

دارای تحصیلات دانشگاهی نمره بالاتری در این ویژگی نسبت به دو گروه دیگر داشتند. همچنین مقایسه مادران شاغل و خانه‌دار با استفاده از آزمون t مستقل نیز تفاوت معنادار دو گروه را در ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری نشان داد ($T=2/95$ و $P=0/01$). میانگین مادران شاغل در این ویژگی شخصیتی بالاتر از مادران خانه‌دار بود. در مقایسه مادران در دو گروه سنی زیر ۳۵ و بالای ۳۵ سال و نیز مادران دارای فرزند اتیسم پسر و دختر در راهبردهای مقابله‌ای و ویژگی‌های شخصیتی نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده مادران کودکان دارای اتیسم بود. همان‌گونه که نتایج نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای رابطه معناداری وجود داشت که هم‌سو با نتایج تحقیقات قبلی (چای و لو، ۲۰۱۵؛ جانکسکا و همکاران، ۲۰۱۵؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۱؛ صیدی، غفوری و جلالی، ۱۳۹۳؛ بساک‌نژاد و بوستانی، ۱۳۹۱) است. این تحقیق نشان داد که بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخوبی و سبک‌های مقابله‌ای فاصله گرفتن و گریز-اجتناب رابطه معناداری وجود دارد. بسیاری از تحقیقات و ادبیات در مورد شخصیت، مخصوصاً تحقیقات آیزنک (۱۹۸۵) نشان داده‌اند که افراد روان‌رنجورخو بسیار تحریک‌پذیر هستند و گرایش زیادی به تجربه خلق و هیجان منفی مانند استرس و اضطراب دارند. معمولاً هر گونه محرکی سبب ایجاد آشفتگی و نابسامانی شناختی در آنها می‌شود. این گروه از افراد واکنشی هستند و برپایی بالایی دارند و در مقابل رویدادهای استرس‌زای زندگی بسیار آسیب‌پذیر هستند. عدم سازماندهی شناختی مناسب مانع از استفاده از راهبردهای مسئله‌مدار مانند ارزیابی مجدد مثبت می‌شود. در این تحقیق گروه مورد مطالعه مادرانی

محیط زندگی سالم و ویژگی‌های شخصیتی منفی باعث ایجاد محیط زندگی ناسالم می‌شود.

عدم همکاری پدران برای شرکت در پژوهش باعث محدودیت در مقایسه پدران و مادران شد. علاوه بر این عدم ارائه اطلاعات کافی به دلیل ناآگاهی از شدت اختلال هم از سوی مراکز آموزشی-حمایتی و هم از سوی والدین سبب شد نتوانیم تأثیر شدت اختلال را بر راهبردهای مورد استفاده مادران مورد بررسی قرار دهیم. از سوی دیگر عدم آگاهی از شدت اختلال کودکان موجب ارائه آموزش‌های یکسان به همه کودکان و والدین آنها می‌گردد که همین موضوع احتمالاً در اثربخشی راهبردهای مورد استفاده والدین با فرزندان دارای اختلال اتیسم با شدت بالا و پایین مؤثر است. آنچه از نتایج پژوهش حاضر استفاده می‌شود توجه داشتن به تفاوت‌های فردی والدین در ویژگی‌های شخصیتی و آموزش راهبردهای مقابله‌ای متناسب با این ویژگی‌ها به آنها است تا بتوانند مقابله مؤثری با استرس مزمن و شدید داشتن کودک دارای اتیسم داشته باشند. مسلماً مد نظر قرار دادن شدت اختلال و ارائه آموزش‌های لازم در خصوص روش‌های درست برخورد و ارتباط با این کودکان به والدین کمک خواهد کرد با مورد فرزندانشان احساس راحتی بیشتری داشته باشند و تا حدودی به صورت غیرمستقیم در ارتقای کیفیت زندگی آنها مؤثر خواهد بود.

منابع

- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۱۳۹۴). مجموعه تشخیصی و آماری اختلالات روانی بر طبق DSM V (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: انتشارات روان.
- آقایاری، س.، الهی، ط.، صالحی، ج.، و بیات، م. ح. (۱۳۹۴). تأثیر حالات خلقی بر سرعت پردازش شناختی: نقش تعدیل‌کننده ابعاد شخصیتی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۷(۲)، ۶۸-۷۷.
- اکبری‌شایه، ی.، وطن‌خواه، م.، زرگر، ی.، تیموری باخرزی، ن.، و احمدیان، ع. (۱۳۹۲). رابطه ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجورخویی، توافق)، هیجان‌خواهی، ناگویایی خلقی و سبک‌های مقابله‌ای با آمادگی به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۳۳، ۱۶۳-۱۷۹.

افرادی که از ویژگی شخصیتی باوجدان‌بودن بالایی برخوردار هستند، قدرت بالایی در سازماندهی رفتاری و ذهنی دارند. این گروه افراد قابلیت و آمادگی بالایی در ارزیابی موقعیت‌های زندگی دارند، تلاش برای موفقیت در آنها بالاست و معمولاً با مشکلات و سختی‌ها مبارزه می‌کنند و به‌سادگی ناامید نمی‌شوند. با احتیاط تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. وجود چنین خصوصیات مثبتی آنها را آماده استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار مانند ارزیابی مجدد مثبت و حل مسئله می‌کند. این گروه به‌دلیل احساس مسئولیت بالا، خود را متعهد و پایبند می‌دانند. به همین دلیل کمتر سراغ راهبردهای هیجان‌مدار مثل گریز-اجتناب می‌روند.

بر اساس دیدگاه بوم‌شناختی برون‌فن برنر، ارتباط پیچیده و متقابلی بین تغییرات محیطی مانند تولد فرزند دارای اتیسم با رفتار، برخوردها، افکار و سلامتی اطرافیان و ارتباط بین آنها با محیط زندگی‌شان وجود دارد. خصوصاً اگر این تغییر در محیط درون خانواده باشد، می‌تواند بر انواع کارکردها از جمله شیوه برخورد با مشکل تأثیرگذار باشد. از سویی ممکن است شخصیت افراد به‌عنوان تأثیر فرد بر محیط وارد عمل شده و تأثیرگذار باشد و به این ترتیب هم شخصیت بر محیط و هم محیط بر شخصیت تأثیر بگذارد و مانند آنچه نتایج این تحقیق نشان داد شیوه مقابله افراد با استرس را تحت تأثیر قرار دهد.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر ویژگی‌های شخصیتی (عوامل فردی) عاملی تأثیرگذار بر استفاده از راهبردهای مقابله‌ای (ارتباط با محیط) هستند. هر چه ویژگی‌های شخصیتی افراد به سمت بعد مثبت پیوستار باشد، راهبرد مورد استفاده نیز مثبت (راهبردهای مسئله‌مدار) خواهد بود. اما ویژگی‌هایی مانند روان‌رنجورخویی، افراد را به استفاده از راهبردهای منفی (راهبرد هیجان‌مدار) سوق می‌دهند. در نهایت ویژگی‌های شخصیتی مثبت باعث ایجاد

- Roles of Parenting Stress and Parenting Self-Efficacy.
- Eysenck, S.B.G., Eysenck H.J., & Barrett P. (1985). A revised version of the psychoticism scale. *Personality and Individual Differences*, 6, 21-29.
- Lazarus, R.S., Folkman, S. (1988). Coping as a mediator of emotion. *Journal of personality and social Psychology*, 46, 839-852.
- Gapta, A., & Singhal, N. (2005). Psychosocial support for families of children with autism. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal*, 2(16), 62-83.
- Jankowska, A.M., Wtodarczyk, A., Campbell, C., & Shaw, S. (2015). Parental attitudes and personality traits, self-efficacy, stress, and coping strategies among mothers of children with cerebral palsy. *Health psychology report*, 3(3).
- Mancil, G.R., & Boyd, B.R. (2009). Parental Stress and Autism: Are There Useful Coping Strategies? *Education and Training in Developmental Disabilities*, 44(4), 523-537.
- Moawd, G. N. A. (2012). Coping strategies of mothers having children with special Needs. *Journal of Biology, Agriculture and Healthcare*, 2(8), 77-84.
- Math, S.B., Murthy P., Parthasarathy R., Naveen Kumar C., & Madhusudhan, S. (2011). *Mental health and substance use problems in prisons: Local lessons for national action*. Bangalore: National Institute of Mental Health Neuro Sciences.
- Neff, K.D., & Faso, D.G. (2014). Self-Compassion and Well-Being in Parents of Children with Autism. *Springer Science+Business Media New York*.
- Pottie, C.G., & Ingram, K.M. (2008). Daily Stress, Coping, and Well-Being in Parents of Children with Autism: A Multilevel Modeling Approach. *Journal of Family Psychology*, 6(22), 855-864.
- Sarafino, E.P. (1998). *Health Psychology biopsychosocial Interactions*, 3rd Ed. New York.
- Seymour, M., Wood, C., Giallo, R., & Jellett, R. (2013). Fatigue, stress and coping in mothers of children with an autism spectrum disorder. *Journal Autism Development Disorder*, 43, 1547-1554.
- Tarabek, J. (2011). *Relationship satisfaction and mental health of parents of children with autism: A comparison of autism, ADHD, and normative children*. Diss. University of Virginia Polytechnic Institute and State University. Retrieved from <http://hdl.handle.net/10919/31236>. June 2011.
- برک، ل. (۱۳۸۶). روان‌شناسی رشد: از لقاح تا کودکی (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: انتشارات ارسباران.
- بساکنزاد، س. و بوستانی، ف. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان دانشگاه شهید چمران. *فصلنامه علمی- پژوهشی جندی‌شاپور*، ۳(۳)، ۳۹۹-۴۰۷.
- جعفری، ا. امیری‌مجد، م. و اسفندیاری، ز. (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبکهای مقابله‌ای با استرس شغلی در پرستاران. *فصلنامه مدیریت پرستاری*، ۱(۴)، ۳۳-۴۴.
- رجبی دماوندی، گ. پوشنه، ک. و غباری‌بناب، ب. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در والدین کودکان با اختلال‌های گسترده اتیسم. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۲(۲)، ۱۳۳-۱۴۴.
- رستمی، ا. م. احدی، ح. و چراغعلی‌گل، ه. (۱۳۹۲). پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس بر اساس ویژگی‌های شخصیتی وابستگی‌ها. *فصلنامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد*، ۱۱۱-۱۲۶.
- سادوک، ب. ج. و سادوک، و. آ. (۱۳۹۰). خلاصه روانپزشکی (ترجمه فرزین رضاعی). تهران: انتشارات ارجمند.
- صیدی، م. غفوری، ا. و جلالی، م. ر. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و سبکهای مقابله‌ای در سه گروه از زنان تن‌فروش، معتاد و عادی. *فصلنامه اعتیادپژوهی و سوء مصرف مواد*، ۸(۲۹)، ۸۹-۱۰۵.
- فتحی آشتیانی، ع. و داستانی، م. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: انتشارات بعثت.
- گروسی‌فرشی، م. ت. مهریار، ا. ه. و قاضی طباطبایی، م. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نشو و بررسی تحلیل ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *علوم انسانی الزهراء*، ۱۱(۳۹)، ۱۷۳-۱۸۹.
- Bronfenbrenner, U. (1995). The bio-ecological model from a life course perspective: Relation of the participant observer. In P. Moen, G. H. Elder, Jr & K. Luscher (Eds), *Examining lives in context* (pp.559-618). Washington, DC: American Psychological Association.
- Chai, M.S., & Low, C.S. (2015). Personality, copying and stress among university students. *American journal of Applied Psychology*, 4(3-1), 33-38.
- Coskunpinar, A., & Davis, C. (2009) *Psychological Health of Parents of Children with Autism Spectrum Disorders*. Hanover College.
- Costa, P. T., Jr., McCrae, R. R., & Martin, T. A. (2008). Incipient adult personality: The NEO-PI-3 in middle-school-aged children. *British Journal of Developmental Psychology*, 26, 71-89.
- Debra, L., Rezendes, D.R., & Scarpa, A. (2011). *Associations between Parental Anxiety / Depression and Child Behavior Problems Related to Autism Spectrum Disorders: The*



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی